

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

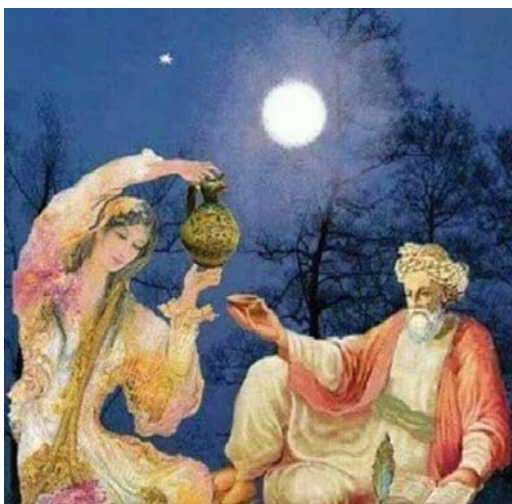
Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا
۱۴ نومبر ۲۰۱۹



بزم عشاق



کس نیست در این محفل جام تو ننوشیده
عالم همه در بند اند زان گیسوی خم در خم
در کعبه و بتخانه در صومعه و مسجد
ای جلوۀ زیبائی در اوج دلارائی
از نفخۀ جان بخت گلزار به شور افتاد
بر مزرعۀ یاران آن دست صفا گستر
صد یوسف کنعانی در بزم تو رقصیده
آن گیسوی خم در خم رندانه چه تابیده...!
در (مندر) و هر دیری گفتار نیوشیده
در خلوت عیاران ای نور پسندیده
چون ابر صفا هرجا باران تو باریده
بذری ز وفا و صدق بی شائبه کاریده

بید است خمین قامت چون پای تو بوسیده
عاشق نبود آنکو کاین نکته نفهمیده
اندر یم حیرت غرق پیچیده و پیچیده
چون منتظر فیضت، خمها همه جوشیده
دامن ز تعلقها رندانه چه بر چیده!
بیباک و سراپا عشق از شعله نترسیده
از بس که به هر سوئی پرسیده و جوئیده

در اوج تمنای جامی ز لب نوش
در دائره خلقت عشق است حکمفرما
عقل است در این گرداب چون کاه به چرخیدن
در میکرده هستی بنگر صف میخواران
آنکو که شدش آئین، می نوش، ز جام تو
پروانه صفت بنگر آمیخته جان و تن
عمریست که می پوید دریا ره این مطلب

"مختار دریا" ۱۰ نومبر ۲۰۱۹ کانادا

